

تحلیلی بر ضرورت وجودی دوره کارشناسی شهرسازی در دانشگاه‌های ایران*

دکتر سید حسین بحرینی**، دکتر الهام فلاح منشادی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۰۹، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۵/۱۲

چکیده

با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای شهرسازی یکی از سؤالات کلیدی در آموزش شهرسازی ضرورت وجود یا عدم وجود مقطع کارشناسی در شهرسازی است. دیدگاه‌های موافق و مخالف زیادی در این ارتباط وجود دارد. در حالی که بعضی از مقطع کارشناسی ارشد حمایت می‌کنند، عده‌ای با توجه به عملکرد خوب فارغ‌التحصیلان کارشناسی شهرسازی، ضرورت انتخاب رشته شهرسازی از ۱۸-۱۹ سالگی و مشکلات مالی دانشگاه‌ها بر ضرورت وجودی مقطع کارشناسی تأکید دارند. در این مقاله این سؤال را در ارتباط با شرایط ایران مورد بحث قرار گرفته و از روش تحقیق آمیخته (پرسش‌نامه و مصاحبه) برای پاسخ استفاده شده است. در مجموع ۱۸۷ پرسش‌نامه توسط سه گروه دانش‌آموختگان کارشناسی شهرسازی، اساتید رشته و کارفرمایان (مدیران شهرسازی) تکمیل شده است. همچنین ۱۲ مصاحبه ساختاریافته با استادان و حرفه‌مندان مطرح در حوزه شهرسازی انجام شده است. نتایج حاصل از مقاله نشان می‌دهد که اکثریت پرسش‌شوندگان و مصاحبه‌شوندگان از وجود این دوره رضایت داشته و آن را برای کشور ضروری می‌دانند.

واژه‌های کلیدی

آموزش شهرسازی، مقطع کارشناسی، مقطع کارشناسی ارشد، ضرورت وجودی، ایران

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم فلاح منشادی با عنوان «ارزیابی محتوای آموزش شهرسازی با تأکید بر مقطع کارشناسی در ایران» است که با حمایت مالی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران انجام شده است.

Email: hbahrain@ut.ac.ir

Email: efallah@ut.ac.ir

** استاد گروه شهرسازی دانشگاه تهران.

*** دکتری شهرسازی دانشگاه تهران. (مسئول مکاتبات)

مقدمه

بر اساس اطلاعات دریافتی از پژوهشگاه آموزش عالی، سالانه حدود ۱۶۰۰۰ نفر در مقاطع مختلف رشته شهرسازی تحصیل می‌کنند که از این تعداد بیش از ۱۱۰۰۰ نفر در مقطع کارشناسی در حال تحصیل هستند. این در حالی است که در ارتباط با ضرورت وجود یا عدم وجود چنین مقطعی برای رشته شهرسازی با توجه به ماهیت چند بعدی و بین رشته‌ای آن تردید وجود دارد. چنانکه تا سال ۱۳۷۸ نیز این رشته تنها در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری ارائه می‌گردید و تأکید اصلی بر ورود کارشناسان با پایه‌های مطالعاتی متفاوت (اقتصاد، جامعه‌شناسی، معماری، عمران، جغرافیا و ...) به رشته برای ادامه تمرکز مطالعات پایه آنها بر امور شهری در مقاطع تحصیلات تکمیلی بوده است.

تأسیس مقطع کارشناسی شهرسازی به نقل از سعیدنیا، یکی از طراحان دوره کارشناسی شهرسازی، یک ضرورت اجتماعی و حرفه‌ای بوده است. مشکل آموزش شهرسازی کشور این بوده که با توجه به تنوع دانشجویان کارشناسی ارشد با رشته‌های مختلف، پرداختن به مسائل اجتماعی و اقتصادی به قدری اهمیت می‌یافت که خود شهرسازی فراموش می‌شده است. در نتیجه در دنیای حرفه‌ای وظیفه شهرسازی بر عهده معماری و عمران قرار گرفته و شهرسازان به مطالعات اجتماعی اقتصادی سرگرم شده‌اند. به علاوه حفظ ماهیت مستقل رشته از دیگر رشته‌های مشابه نیز برگزاری دوره را توجیه می‌نمود (سعیدنیا، ۱۳۹۰، ۲۲۴). در مقابل حیبی در مورد تهدید از بین رفتن تنوع لازم با توجه به ماهیت بین رشته‌ای شهرسازی با ایجاد کارشناسی شهرسازی و ایجاد محدودیت در ورود رشته‌های مرتبط به مقطع کارشناسی ارشد شهرسازی هشدار می‌دهد (حیبی، ۱۳۹۰).

هدف از انجام این تحقیق پاسخ به این سؤال است که اصولاً وجود مقطع کارشناسی شهرسازی در ایران ضروری است یا خیر؟ به همین منظور تعداد ۱۸۷ پرسش‌نامه توسط سه گروه اساتید شهرسازی، فارغ‌التحصیلان کارشناسی شهرسازی و کارفرمایان شهرسازی (مدیران شهرسازی در مهندسی مشاور) تکمیل شده است. همچنین ۱۲ مصاحبه عمیق با افراد حرفه‌ای که در واقع مشتریان اصلی آموزش شهرسازی هستند انجام شده است. افرادی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند ضمن اظهار نظر خود در ارتباط با ضرورت وجود یا عدم وجود مقطع کارشناسی شهرسازی، دلایل خود برای این انتخاب را ارائه داده‌اند.

در این تحقیق ابتدا به چالش‌های مرتبط با آموزش شهرسازی در مقطع کارشناسی در سطح جهانی پرداخته شده و سپس نتایج حاصل از نظر سنجی ارائه شده و در قسمت بحث و نتیجه‌گیری به ارائه دیدگاه‌های جهانی در مورد ضرورت وجود یا عدم مقطع کارشناسی در شهرسازی و تحلیل و نتیجه‌گیری در مورد ادامه روند موجود و جذب

دانشجو در مقطع کارشناسی شهرسازی پرداخته شده است.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

آموزش نقش مهمی در تحولات اجتماعی و اقتصادی هر کشور دارد و می‌توان گفت که نارسایی‌های انسانی و زیست محیطی ما ریشه‌های آموزشی دارند و بهبودی در صورتی میسر می‌گردد که بتوان تغییری در نگرش آموزشی پدید آورد (علیمحمدی، ۱۳۸۶). در سال‌های اخیر توجه به آموزش عالی به دلیل افزایش تعداد دانشجویان، تغییر ساختار اقتصاد جهانی با جایگزینی دانش به جای منابع طبیعی به عنوان محرک اصلی رشد اقتصادی، رقابت دانشگاه‌ها برای جذب دانشجو، اعتبارات پژوهشی، و جوایز و همچنین جهانی‌شدن و از بین رفتن فاصله‌ها افزایش یافته است (Hambleton, 2006, 108). از سوی دیگر با توجه افزایش سرعت شهرنشینی، پیدایش و رشد انفجاری کلان‌شهرها و پیچیده‌تر شدن مسائل شهری بعد از دهه ۱۹۸۰ هم تقاضا برای خدمات شهرسازی و هم تعداد دانشجویان جدید به طور قابل توجهی، افزایش یافته است (Myers & Banerjee, 2007, 121). این موضوع باعث افزایش اهمیت آموزش شهرسازی به طور خاص شده و نشان می‌دهد که وارد عصری می‌شویم که فرصت‌های مهمی برای رشد در آموزش شهرسازی و تسهیلات رفاهی عمومی وجود دارد (Hambleton, 2006). در طراحی نظام‌های آموزشی باید سه عنصر هدف، برنامه‌ریزی و ارزشیابی دوره انجام شود (عزیزی، ۱۳۸۹). به خصوص اینکه تغییرات عمده در عمل شهرسازی حرفه‌ای و تغییر اقلیم آموزش عالی احتیاج به بازبینی (تفکر مجدد) در مورد آموزش شهرسازی، برنامه درسی آن و ارتباط آن با سایر رشته‌ها را ضروری ساخته است (Frank, 2006).

دوره‌های شهرسازی با نام‌های مختلفی از جمله: برنامه‌ریزی شهری^۱، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای^۲، شهرسازی^۳، مطالعه و برنامه‌ریزی محیطی^۴، سیاست و برنامه‌ریزی^۵ و غیره ارائه می‌شود. دوره‌های شهرسازی در تعداد واحدها و کارگاه‌ها متفاوت هستند. برای مثال در دوره کارشناسی ارشد بعضی دانشگاه‌ها تنها ۱۵ واحد اصلی ارائه می‌شود و بقیه واحدها (تا ۳۳ واحد) اختیاری هستند. در مقابل بعضی دیگر تعداد بیشتری واحد اصلی و تعداد کمتری واحد اختیاری را دارند (Bayer, Frank, & Valerius, 2010). این موضوع تنوع رویکردهای موجود در آموزش شهرسازی در سطح جهان را نشان می‌دهد.

باتوجه به مطالعات انجام شده در اروپا و آمریکای شمالی در قرن گذشته، دو نظام متفاوت آموزش عالی به شرح زیر وجود دارد:

۱) نظام انگلو امریکایی که بیشتر در انگلستان، ایالات متحده و کانادا یافت می‌شود و شامل برنامه‌های دانشگاهی زیر است:

- برنامه آموزش مقدماتی که ۳-۴ سال به طول می‌انجامد و منجر به

با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای و چند بعدی شهرسازی آیا آموزش شهرسازی باید فقط در سطح کارشناسی ارشد ارائه شود و یا هم در سطح کارشناسی و هم کارشناسی ارشد؟ در این ارتباط دیدگاه‌های متفاوتی در بین کشورها وجود دارد. برای مثال در حالیکه در سایت آمار مشاغل آمریکا شهرسازی یک شغل با مدرک کارشناسی ارشد معرفی شده، در استرالیا یک شغل با مدرک کارشناسی معرفی گردیده است. این موضوع نشان می‌دهد که هر کشور باید با توجه به ضرورت‌های اجتماعی و حرفه‌ای در این ارتباط تصمیم‌گیری نماید.

بایر و همکاران (Bayer, Frank, & Valerius, 2010) بر ضرورت کارشناسی ارشد برای شهرسازی تأکید دارند و معتقدند روش آموزش معمول برای دستیابی به حرفه شهرسازی گرفتن مدرک کارشناسی ارشد شهرسازی است. آنها در این ارتباط آمار از شهرسازان بررسی شده توسط انجمن شهرسازی آمریکا^{۱۱} ارائه می‌دهند. بر این اساس ۴۲ درصد از آنها کارشناسی ارشد در شهرسازی دارند. نود و چهار درصد از شهرسازان هم مدرک کارشناسی ارشد (۶۲ درصد) و هم مدرک کارشناسی (۳۲ درصد) دارند. دو سوم از کسانی که مدرک کارشناسی ارشد دارند مدرکشان را در شهرسازی (برنامه‌ریزی شهری) گرفته‌اند. یک سوم باقی‌مانده مدرک مدیریت عمومی، جغرافیا، تجارت و دیگر زمینه‌ها دارند. از ۳۲ درصدی که فقط کارشناسی دارند یک سوم کارشناسی شهرسازی دارند. جغرافیا دومین رشته برای شهرسازی است که فقط مدرک کارشناسی دارند. بنرجی (Banerjee, 1990) نیز ضمن تأیید این موضوع پیشنهاد می‌دهد که برنامه باید حداقل شامل دوره دو ساله مطالعات حرفه‌ای کارشناسی ارشد باشد و دانشجویان باید یک مدرک کارشناسی در رشته هنرهای طراحی، ترجیحاً در معماری یا معماری منظر داشته باشند.

باج (Budge, 2009) در این ارتباط می‌گوید: « فردی مانند من که با مدارک هنری در جغرافیا و تاریخ به شهرسازی وارد شده‌ام، شدیداً از ارزش ساخت شهرسازی بر روی دیگر رشته‌ها حمایت می‌کنم». ولی او دو موضوع دیگر را طرح می‌کند: اول اینکه فارغ‌التحصیلان کارشناسی در عمل خیلی خوب عمل می‌کنند. دوم اینکه اگر کسی در ۱۸، ۱۹ سالگی می‌داند که می‌خواهد شهرساز شود چرا نباید فرصت انجام این شغل را مانند سایر حرفه‌ها داشته باشد.

البته در سال‌های اخیر اهمیت و تأکید بر کارشناسی شهرسازی افزایش یافته است. اهمیت آموزش کارشناسی شهرسازی توسط شورای انجمن مدارس دانشگاهی شهرسازی^{۱۲} در سال ۱۹۹۱ قویاً برجسته شد. نیبانک (Neibank, 1992) تأکید دارد که آموزش کارشناسی و آموزش شهرسازی به یکدیگر نیاز دارند و هیچ کدام نمی‌تواند بدون وجود دیگری به وظایف فعلی خود عمل کند. علی و دوان (Ali & Doan,

مدرک کارشناسی^۶ می‌شود، و
- برنامه تحصیلات تکمیلی که ۱-۲ سال برای درجه کارشناسی ارشد^۷ و حداقل سه سال برای درجه دکتری^۸ طول می‌کشد.

۲) نظام قاره‌ای^۹ که اساساً در کشورهای اروپایی یافت می‌شود و معمولاً بر اساس برنامه‌های دانشگاهی زیر است:

- برنامه آموزش طولانی مدت در سطح کارشناسی که عمدتاً در کشورهای اروپایی یافت می‌شود. این دوره عموماً پنج سال طول می‌کشد، بیشتر نظریه محور است و به یک مدرک تحصیلی منجر می‌شود؛

- برنامه آموزشی کوتاه مدت در سطح کارشناسی که معمولاً چهار سال طول کشیده و بیشتر کاربردی است و به یک مدرک تحصیلی منجر می‌شود؛

- برنامه تخصصی^{۱۰} در سطح تحصیلات تکمیلی که معمولاً ۱۲ ماه به طول انجامیده و به یک مدرک کارشناسی ارشد منجر می‌شود، و حداقل به سه سال برای دریافت درجه دکتری نیاز دارد (Gospodini & Skayannis, 2005).

تفاوت در آموزش تنها به تفاوت در نام دوره، تعداد واحدها و مدت زمان و فرایند اخذ مدرک محدود نبوده و شامل محتوای آموزشی نیز می‌شود. روتریگز - بچیلر^{۱۱} (۱۹۸۸) با توجه به محتوای آموزشی سه دوره آموزش شهرسازی به شرح زیر معرفی می‌کند: مدل تکنیکی سنتی، با ریشه‌های آن در اروپا و بریتانیا، در اتصال نزدیک با معماری که تأکید کالبدی/فضایی دارد. مدل یکپارچه جامع، عمدتاً در بریتانیا، بیشتر یک روش کل گراست که بر روش‌شناسی، برنامه‌ریزی کالبدی و اجرا تمرکز دارد. این دوره عمدتاً ترکیبی از سه سال کارشناسی و یک سال کارشناسی ارشد است. در نهایت، مدل کارشناسی ارشد آکادمیک، عمدتاً در ایالات متحده، که به طور وسیع از علوم اجتماعی مشتق شده و بازار متنوعی از موضوعات سیاست سازی را شامل می‌شود. دوره‌های بریتانیایی و اروپایی بیشتر تحت تأثیر دو مدل اول آموزش شهرسازی است (Diaz, Nnkya, & Watson, 2002).

بررسی دقیق‌تر این موضوع نشان می‌دهد که به طور مشخص نمی‌توان یک مدل جهانی برای آموزش شهرسازی پیشنهاد داد، زیرا دانشگاه‌های مختلف موانع و فرصت‌های متفاوتی دارند و در نتیجه شیوه‌های آموزشی گوناگونی را تجربه می‌کنند (Banerjee, 1990). آنچه که مشخص است این موضوع است که سناریوهای توسعه مختلف به مهارت‌های کاربردی متفاوتی نیاز دارند. بر این اساس انتظار می‌رود مدل‌های گوناگونی از آموزش برای دستیابی مهارت‌های برنامه‌ریزی کاربردی به کار رود (Cook, 1999).

یکی از سؤالات جدی در ارتباط با آموزش شهرسازی این است که

۱۲ نفر از افراد حرفه‌ای برجسته انجام شده است که با دستاوردهای آموزش کارشناسی شهرسازی در ارتباط هستند.

یافته‌های پژوهش

با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای شهرسازی، در ارتباط با جایگاه و ضرورت وجود مقطع کارشناسی تردید و بحث‌های جدی وجود دارد. عده‌ای بر این اعتقادند که رشته شهرسازی مناسب مقطع کارشناسی ارشد است تا افراد مختلف با پایه‌های مطالعاتی مانند علوم اجتماعی، اقتصادی و مهندسی در تحصیلات بالاتر پایه مطالعاتی خود را زمینه امور شهری بازشناسی نمایند. چنانکه تا قبل از سال ۱۳۷۸ در کشور نیز چنین بوده و بسیاری از مدارس شهرسازی نیز چنین دیدگاهی را دنبال می‌نمایند. برای نظرسنجی در این ارتباط در پرسش‌نامه ابتدا این سؤال از استادان، کارفرمایان (مدیران شهرسازی در مهندسی مشاور) و دانش‌آموختگان پرسیده شده است که آیا اصولاً وجود چنین مقطعی در رشته‌ی شهرسازی ضروری است؟

نتایج حاصل از تحلیل پرسش‌نامه‌ها نشان می‌دهد از مجموع ۱۸۷ نفری که مورد پرسش قرار گرفته‌اند، ۱۶۳ نفر (۸۷٫۲ درصد) وجود مقطع کارشناسی را ضروری دانسته و ۱۳ نفر (۶٫۹ درصد) به این سؤال جواب منفی داده‌اند و ۱۱ نفر (۵٫۹ درصد) نیز جوابی به این سؤال نداده‌اند. جدول زیر نتایج حاصل از این سؤال را به تفکیک سه گروه پرسش‌شونده نشان می‌دهد.

پرسش‌شوندگانی که وجود مقطع کارشناسی را ضروری می‌دانند دلایل زیر را برای انتخاب خود ارائه نمودند:

- ماهیت مستقل رشته: امکان ورود به کارشناسی ارشد شهرسازی از گرایش‌ها و رشته‌های متنوع باعث خدشه‌دار شدن مرز بین رشته‌ها و کم‌رنگ شدن ماهیت و جایگاه مشخص و مستقل برای شهرسازان شده است.

- نیاز و ضرورت جامعه: با توجه به ظهور کلان‌شهرها، مهاجرت گسترده به شهرها و پیچیده شدن مسائل شهری احتیاج به متخصصان در این حوزه بیشتر شده و نیاز به تربیت شهرسازان در سطوح و با تخصص‌های مختلف افزایش می‌یابد.

- گسترش مسائل شهری و کمبود نیروی متخصص در سطوح مختلف: موضوعات شهری دارای تنوع زیادی هستند و پیشنهاد می‌گردد کارشناسان شهرسازی در موضوعات عمومی شهری آموزش دیده و به خدمت مشغول شوند و در کارشناسی ارشد برای تربیت شهرسازان با تخصص خاص تلاش گردد.

- لزوم و پیش‌نیاز مقاطع بالاتر: دوره کارشناسی مقدمه‌ای برای آشنایی با موضوعات شهری برای تحصیل در مقاطع بالاتر است.

2006) ضمن تأیید این موضوع تأکید دارند که مطالعات کمی به طور مشخص بر آموزش شهرسازی در سطح کارشناسی پرداخته است. دوره شهرسازی در سطح کارشناسی ارشد یک هسته معمول از واحدهای نظری و متدولوژی دارد، دوره کارشناسی کمتر ساختارمند بوده و با طیفی از رشته‌ها شامل مطالعات شهری، جغرافی، تاریخ، اقتصاد، و جامعه‌شناسی هم‌پوشانی دارد.

یکی از دلایل تأکید بر مقطع کارشناسی شهرسازی در سال‌های اخیر مربوط به مشکلات مالی دانشگاه‌ها و تلاش برای جذب دانشجویان بیشتر است. بیشتر دوره‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دوره کارشناسی ارشد حرفه‌ای است که به طور مرسوم کلاس‌های در اندازه کوچک و ارتباط متقابل دانشجو و استاد است. این کلاس‌های تخصصی نمی‌تواند به راحتی توسعه یابد تا دانشجویان بیشتری را بنا به درخواست مدیریت دانشگاه جذب نماید. ولی در سطح کارشناسی کلاس‌های درس بزرگ می‌تواند تعداد قابل توجهی دانشجو جذب کند و تعداد زیادی از دپارتمان‌های شهرسازی چنین کلاس‌هایی ارائه می‌دهند (Ali & Doan, 2006).

نتایج حاصل از مبنای نظری نشان‌دهنده تنوع دیدگاه‌ها در ارتباط با ضرورت وجود یا عدم وجود مقطع کارشناسی در شهرسازی است. این موضوع در کشور ما نیز دارای موافقان و مخالفانی است. در تحقیق حاضر با استفاده از روش‌های پرسش‌نامه و مصاحبه ضرورت وجودی این مقطع مورد بررسی قرار گرفته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف یک پژوهش کاربردی و از نظر ماهیت و روش یک تحقیق توصیفی - تحلیلی است. از حیث نحوه جمع‌آوری داده‌ها روش مورد استفاده روش آمیخته تشریحی است که هم از داده‌های کمی و هم کیفی برای تشریح یک پدیده استفاده می‌کند. در این روش وزن اصلی به داده‌های کمی داده می‌شود. همچنین در مرحله اول داده‌های کمی و سپس داده‌های کیفی گردآوری می‌شود (بازرگان، ۱۳۹۱). ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات کمی پرسش‌نامه می‌باشد. پرسش‌نامه توسط دانش‌آموختگان کارشناسی و استادان رشته شهرسازی و کارفرمایان (مدیران شهرسازی) تکمیل شده است. پرسش‌نامه‌ها حداقل ۹۱ تا ۹۱ ماه تا پایان ماه ۹۱ تکمیل گردیده و مجموعاً ۱۸۷ پرسش‌نامه شامل ۹۲ پرسش‌نامه دانش‌آموختگان، ۶۶ پرسش‌نامه استادان و ۲۹ پرسش‌نامه کارفرمایان تکمیل شده است. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌های کیفی مصاحبه ساختارمند بوده است. مصاحبه‌ها حداقل اردیبهشت تا خرداد ماه ۹۳ با مراجعه حضوری نویسنده دوم انجام شده است. مصاحبه با

تملیلی بر ضرورت و وجودی دوره کارشناسی شهرسازی در دانشگاه‌های ایران

جدول ۱. تحلیل نظرات سه گروه پرسش‌شونده در مورد ضرورت وجود مقطع کارشناسی شهرسازی

گروه پرسش‌شونده	نظرات	تعداد	درصد
دانش‌آموختگان	بدون جواب	۳	۳/۳
	موافقت با وجود دوره	۸۸	۹۵/۷
	مخالفت با وجود دوره	۱	۱/۱
	مجموع	۹۲	۱۰۰
استادان	بدون جواب	۲	۳/۱
	موافقت با وجود دوره	۵۶	۸۴/۸
	مخالفت با وجود دوره	۸	۱۲/۱
	مجموع	۶۶	۱۰۰
کارفرمایان	بدون جواب	۶	۲۰/۷
	موافقت با وجود دوره	۱۹	۶۵/۵
	مخالفت با وجود دوره	۴	۱۳/۸
	مجموع	۲۹	۱۰۰
مجموع	بدون جواب	۱۱	۵/۹
	موافقت با وجود دوره	۱۶۳	۸۷/۲
	مخالفت با وجود دوره	۱۳	۶/۹
	مجموع	۱۸۷	۱۰۰

است) توسط فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط (مانند عمران، معماری و جغرافیا) اشغال شده است و نیاز به نیروی متخصص در بخش دولتی، عمومی و خصوصی تربیت دانشجویان در مقطع کارشناسی شهرسازی (که امکان جذب دانشجو در تعداد بیشتر دارد) را ضروری می‌سازد. - وجود تربیت متخصص برای مسائل شهری کوچک: طرح‌های شهری می‌توانند در سطح مختلف و با سطح پیچیدگی متفاوت انجام شود، به نظر می‌رسد شهرسازان با مدرک کارشناسی می‌توانند در حل مسائل کوچک و تکراری به کار گرفته شوند و شهرسازان با مدرک کارشناسی ارشد (سطح بالاتر تخصص) در مسائل تخصصی و پیچیده‌تر مشغول شوند. نتایج حاصل از مصاحبه نیز ضرورت وجود مقطع کارشناسی شهرسازی در ایران را تأیید می‌کند. تقریباً ۸۰ درصد مصاحبه‌شوندگان با دوره کارشناسی شهرسازی موافق بوده و آن را برای ایران ضروری می‌دانند. دکتر اعتصام، پایه‌گذار آموزش شهرسازی در ایران، دوره کارشناسی در معماری و شهرسازی را از تبعات ناشی از خرابی‌های جنگ جهانی دوم می‌داند. وی معتقد است که تا قبل از جنگ جهانی دوم آموزش معماری و به تبع آن شهرسازی عمدتاً در اروپا رواج داشت و شامل یک دوره پیوسته ۵ تا ۶ ساله می‌گردید. پس از جنگ جهانی دوم با توجه

- لزوم تزریق نگاه کل‌گرانه و تخصصی از ۱۸ سالگی: باید دیدگاه برنامه‌ریزی از همان ابتدای ورود به دانشگاه و پیش از ورود به حرفه فراهم گردد. - تأثیرات مطلوب فارغ‌التحصیلان کارشناسی: تعداد زیادی از کارفرمایان از عملکرد فارغ‌التحصیلان کارشناسی کارشناسی شهرسازی اعلام رضایت نمودند. - کوتاه بودن فرصت آشنایی با موضوعات شهری در مقطع کارشناسی ارشد: با توجه به تنوع موضوعات شهرسازی امکان آشنایی تنها در یک دوره ۲ ساله امکان‌پذیر نمی‌باشد. - لزوم آشنایی مقدماتی با رشته برای انتخاب مناسب گرایش آتی: دوره کارشناسی شهرسازی یک دوره مقدماتی برای آشنایی با گرایش‌ها و تخصص‌های شهرسازی برای تحصیلات تکمیلی فراهم می‌کند. - لزوم تربیت متخصص برای ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی: در حال حاضر بسیاری از جایگاه‌هایی که باید توسط شهرسازان در دفاتر فنی استانداری‌ها، شهرداری‌ها و شرکت‌های مشاور اشغال می‌گردیده به دلیل کم بودن تعداد فارغ‌التحصیلان شهرسازی (با توجه به محدود بودن پذیرش در مقطع کارشناسی ارشد که تا قبل از سال ۷۸ صورت می‌گرفته

- در ارتباط با موضوعات شهری با مقیاس کوچکتر و پیچیدگی کمتر (مانند طرح هادی روستایی و طرح جامع شهرهای کوچکتر)؛
- مشارکت در بخش برداشت میدانی و توصیف وضع موجود در طرح‌های توسعه شهری با مقیاس مختلف.
بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره داشتند که با ورود کارشناسان شهرسازی به بازار حرفه‌ای، آنها به تدریج جایگزین معماران و دیگر رشته‌های مرتبط در مهندسی مشاور می‌شوند. هم‌زمانی اولین گروه فارغ‌التحصیلان کارشناسی شهرسازی با شروع تهیه طرح جامع شهر تهران باعث درگیر شدن بسیاری از آنها در فرایند شهرسازی کشور شده است. البته این جایگزینی در بدنه دولتی و شهرداری‌ها به کندی صورت می‌گیرد و این موضوع جای بحث دارد.
یک تهدید جدی برای کارشناسان شهرسازی کثرت تعداد فارغ‌التحصیلان کارشناسی شهرسازی و دانشگاه‌های ارائه‌دهنده دوره است زیرا این نگرانی وجود دارد که با افزایش تعداد شهرسازان کارهای ارجاعی با قیمت کمتر و در نتیجه کیفیت پایین‌تر تهیه شوند و این خود می‌تواند تهدیدی برای جامعه حرفه‌ای باشد. نکته مهم دیگری که توسط اکثریت حرفه‌مندان طرح می‌شد لزوم نزدیکی حرفه به دانشگاه و کار حرفه‌ای (به صورت کارآموزی) حین تحصیل در دوره کارشناسی می‌باشد.

۱. تجزیه و تحلیل

در ارتباط با ضرورت وجود مقطع کارشناسی شهرسازی نظرات مختلفی وجود دارد. برخی از صاحب‌نظران بر مقطع کارشناسی ارشد شهرسازی تأکید دارند. عده‌ای اگر چه از ساخت حرفه شهرسازی روی رشته‌های دیگر حمایت می‌کنند ولی به قابلیت کارشناسان شهرسازی و امکان انتخاب رشته از ۱۸ سالگی تأکید دارند. بعضی مطالعات بر افزایش اهمیت کارشناسی شهرسازی از ۱۹۹۱ اشاره کرده و به خصوص بر افزایش اهمیت کارشناسی شهرسازی به دلیل مشکلات مالی در دانشگاه‌ها تأکید دارند.

در کشور ما دوره کارشناسی شهرسازی از سال ۱۳۷۸ در دو دانشگاه تهران و هنر تهران شروع به جذب دانشجو نمود. در سال ۱۳۸۰ بنا به شرایط حرفه و رشته با بازبینی در محتوای آموزشی و تغییر بعضی از دروس رشته کارشناسی شهرسازی به مهندسی شهرسازی تغییر نام داد. سعیدنیا اصرار به درجه مهندسی برای کارشناسی رشته شهرسازی را در راستای افزایش توانایی شهرسازان برای رقابت در بازار کار و نشان دادن شایستگی در فضای رقابت حرفه‌ای ضروری می‌داند.

نتایج حاصل از این تحقیق حاضر نشان می‌دهد که اکثریت پرسش‌شوندگان (۸۷/۲ درصد) شامل فعالان حرفه‌ای و دانشگاهی در حوزه شهرسازی (دانش‌آموختگان، استادان و کارفرمایان شهرسازی)

به شدت خرابی‌های ناشی از جنگ و نیاز به معماران و شهرسازان برای ساخت و ساز، نیاز به کاهش دوره آموزشی احساس گردید. این تغییر دوره در امریکا اتفاق افتاد و به یک دوره ۳-۴ ساله (معادل Bachelor) و یک دوره ۲ ساله (Master) تقسیم شد. اگر چه اروپا ابتدا در مقابل این تغییر مقاومت نمود، ولی با توجه به طرح مارشال و کمک فنی و مالی امریکا به اروپا، آموزش شهرسازی و معماری نیز به واسطه این کمک‌ها به اروپا منتقل شد. در ایران نیز این تغییر رویکرد تا حدی ناشی از تحولات جهانی می‌باشد.

از مصاحبه‌ها استنباط می‌شود که کارشناسان شهرسازی در محیط حرفه‌ای موفقیت‌های زیادی داشته‌اند. بنا به نظر کارفرمایان آنها به دلیل داشتن انگیزه‌های یادگیری و جسارت جوانی و خلاقیت بیشتر و همچنین توقعات مالی پایین‌تر نیروهای کارآمدی محسوب می‌شوند. همچنین طی دوره طولانی‌تر و در نتیجه طی مراحل تکاملی در حرفه کارشناسان شهرسازی را موفق‌تر ساخته است. تعداد بسیار محدودی (۲ نفر) با حالت گذشته که شهرسازان از رشته‌های مختلف وارد دوره کارشناسی ارشد شهرسازی می‌شدند موافق بوده و معتقدند در آن دوره افراد با تخصص بیشتری فارغ‌التحصیل می‌شدند. این افراد بر ماهیت چندرشته‌ای رشته و لزوم آشنایی عمیق با پایه‌های مطالعاتی متفاوت تأکید داشتند. یکی از مخالفان دوره به ماهیت کالبدی و فضایی طرح‌های توسعه اشاره کرده و معتقد است «بزار مداخله برنامه‌ریزی شهری در ایران کالبدی بوده و ما برای سایر توسعه‌ها مثلاً اقتصادی ابزاری نداریم. بنابراین تأکید بیشتر بر آموزش کالبدی است و بدین جهت شهرسازان با پایه معماری در حرفه موفق‌تر هستند. در عمل احتیاج زیادی به کارشناسان شهرسازی نیست زیرا بیشتر کارهای شهرسازی در حد بالاست و مسئولیت زیادی دارد زیرا شامل مسائل حقوقی بوده و تأثیر زیادی روی زندگی مردم دارد».

مقایسه توانمندی‌های شهرسازان با مدرک کارشناسی با کارشناسان ارشد شهرسازی نشان می‌دهد که سطح توانمندی‌ها تا حد زیادی وابسته به تلاش فردی و بعضاً سطح آموزش دانشگاهی بوده و صرفاً با افزایش سطح تحصیلات لزوماً تغییر نمی‌کند. البته بعضی از مصاحبه‌شوندگان معتقدند کارشناسان شهرسازی قدرت تحلیل و مذاکره کمتری دارند ولی توصیف‌گران و تکنسین‌های خوبی هستند. این موضوع از دید عده‌ای یک مزیت برای کارشناسان شهرسازی محسوب می‌شود چرا که با توجه به اینکه در ایران از شهرسازان بیشتر انتظار کار تکنیکی بیشتر از تئوری هست، بنابراین فارغ‌التحصیلان کارشناسی نسبت به کارشناسی ارشد توانایی بیشتری در حرفه دارند. برآیند نظرات تأیید می‌کند که کارشناسان شهرسازی در دو حوزه می‌توانند حضور پررنگی داشته‌باشند.

دانشجویان کارشناسی به تفکیک نوع دانشگاه در ۵ سال اخیر نشان می‌دهد.

همانگونه که مشاهده می‌شود نرخ رشد تعداد دانشجویان شهرسازی در مقطع کارشناسی برابر با ۳۰ درصد است. کمترین افزایش در تعداد دانشجویان در دانشگاه‌های سراسری و بیشترین افزایش در دانشگاه‌های غیر انتفاعی (متوسط رشد ۶۵ درصد در ۵ سال) دیده می‌شود که با توجه به ضعف نسبت تعداد استاد به دانشجو و هرم علمی اساتید در این دانشگاه‌ها این موضوع یک تهدید جدی در آموزش شهرسازی محسوب می‌شود که خود می‌تواند زمینه مطالعات کامل‌تری در این حوزه باشد.

نتیجه گیری

بر اساس نتایج حاصل از این نظرسنجی می‌توان استنباط نمود وجود مقطع کارشناسی شهرسازی در ایران با توجه به دلایل مختلف حرفه‌ای و آکادمیک ضروری است. ماهیت مستقل رشته، گسترش مسائل شهری و کمبود نیروی متخصص در سطوح مختلف، لزوم تزریق نگاه کل‌گانه و تخصصی از ۱۸ سالگی، تأثیرات مطلوب فارغ‌التحصیلان کارشناسی، کوتاه بودن فرصت آشنایی با موضوعات شهری در مقطع کارشناسی ارشد، لزوم آشنایی مقدماتی با رشته برای انتخاب مناسب گرایش آتی، لزوم تربیت متخصص برای ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی، وجود تربیت متخصص برای مسائل شهری کوچک وجود این مقطع را ضروری می‌سازد. انتظار می‌رود کارشناسان شهرسازی بیشتر در دو حوزه فعالیت پررنگ‌تری داشته باشند. اول در ارتباط با موضوعات شهری با مقیاس کوچک‌تر و پیچیدگی کمتر (مانند طرح‌های روستایی و طرح جامع شهرهای کوچک‌تر) و دیگری مشارکت در بخش برداشت میدانی و توصیف وضع موجود در طرح‌های توسعه شهری با مقیاس مختلف فعال باشند. نکته قابل توجه افزایش کمی تعداد

دوره کارشناسی را برای رشته شهرسازی ضروری دانسته‌اند. پرسش‌شوندگانی که وجود مقطع کارشناسی را ضروری می‌دانند دلایلی مانند ماهیت مستقل رشته، نیاز و ضرورت جامعه، گسترش مسائل شهری و کمبود نیروی متخصص در سطوح مختلف، لزوم و پیش‌نیاز مقاطع بالاتر، لزوم تزریق نگاه کل‌گانه و تخصصی از ۱۸ سالگی، تأثیرات مطلوب فارغ‌التحصیلان کارشناسی، کوتاه بودن فرصت آشنایی با موضوعات شهری در مقطع کارشناسی ارشد، لزوم آشنایی مقدماتی با رشته برای انتخاب مناسب گرایش آتی، لزوم تربیت متخصص برای ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و وجود تربیت متخصص برای مسائل شهری کوچک را برای انتخاب خود ارائه می‌دهند. در مقابل پرسش‌شوندگانی که با وجود این مقطع مخالفند (۶/۹ درصد) به دلایلی مانند روشن نبودن تکلیف دانشجو و آشفتگی مباحث کارشناسی، عمق کم مطالب، عدم تناسب رشته با مقطع کارشناسی به دلیل ماهیت بین‌رشته‌ای شهرسازی، و تکراری بودن مباحث کارشناسی و کارشناسی ارشد اشاره می‌کنند. نتایج حاصل از مصاحبه نیز ضرورت وجود مقطع کارشناسی را تأیید می‌کند. انتظار می‌رود کارشناسان شهرسازی بیشتر در ارتباط با موضوعات شهری با مقیاس کوچک‌تر و پیچیدگی کمتر (مانند طرح‌های روستایی و طرح جامع شهرهای کوچک‌تر) و مشارکت در بخش برداشت میدانی و توصیف وضع موجود در طرح‌های توسعه شهری با مقیاس مختلف فعال باشند. در نتیجه بر اساس نتایج حاصل از این نظرسنجی می‌توان استنباط نمود وجود مقطع کارشناسی شهرسازی در ایران با توجه به دلایل مختلف حرفه‌ای و آکادمیک ضروری است.

البته باید توجه داشت تأیید ضرورت وجود مقطع کارشناسی به معنای تأیید وضع موجود نمی‌باشد. در حال حاضر ۵۸ دانشگاه در سراسر کشور شامل دانشگاه‌های سراسری، آزاد، غیرانتفاعی و پیام نور مقطع کارشناسی شهرسازی ارائه می‌دهند. جدول زیر روند افزایش تعداد

جدول ۲. روند افزایش تعداد دانشجویان کارشناسی به تفکیک نوع دانشگاه در ۵ سال اخیر (ماخذ: اطلاعات دریافتی از پژوهشگاه آموزش عالی، ۱۳۹۲)

سال تحصیلی	آزاد	غیرانتفاعی	سراسری	پیام نور	مجموع
۸۸-۸۷	۱۵۷۷	۲۰۷	۱۴۵۸	۰	۳۲۴۹
۸۹-۸۸	۲۲۸۸	۲۷۴	۱۵۵۵	۰	۴۰۶۷
۹۰-۸۹	۳۹۰۶	۶۷۹	۱۶۱۵	۰	۶۲۰۰
۹۱-۹۰	۴۸۱۵	۱۲۶۲	۱۹۴۹	۱۲۵۲	۹۲۷۸
۹۲-۹۱	۵۶۶۱	۲۰۰۶	۲۱۲۰	۱۶۷۴	۱۱۴۶۱
متوسط نرخ رشد	۳۱/۵	۶۵/۰	۷/۶	۶/۷	۳۰/۰

and Research, 26(2), 222-236.

7. Banerjee, T. (1990). Third World City Design: Values, Models and Education. In T. Banerjee, *Breaking The Boundries* (pp. 173-189). New York: Pelenum Press.

8. Bayer, M., Frank, N., & Valerius, J. (2010). Becoming an Urban Planner: *A Guid to Careers in Planning and Urban Design*. NJ. Wiley: Hoboken.

9. Budge, T. (2009). Educating Planners, Educating for Planning or Planning Education: the Never-Ending Story. *Australian Planner*, 46(1), 8-13.

10. Cook, A. (1999). Undercurrents of Change in Planning Education in Hung Kong. *Planning Practice and Research*, 14(2), 247-249.

11. Diaw, k., Nnkya, T., & Watson, V. (2002). Planning Education in Sub-Saharan Africa: Responding to the Demands of a Changing context. *Planning Practice and Research*, 17(3), 337-348.

12. Frank, A. I. (2006). Three Decades of Thought on Planning Education. *Journal of Planning Literature*, 21(1), 15-44.

13. Gospodini, A., & Skayannis, P. (2005). Toward an Integration Model of Planning Education Programs in a European and International Context: The Contribution of Recent Greek Experience. *Planning Theory & Practice*, 6 (3), 355-382.

14. Hambleton, R. (2006). Purpose and Collegiality in Planning Education : An Introduction Perspective. *Journal of Planning Education and Research*, 107-117.

15. Myers, D., & Banerjee, T. (2007). Toward Greater Heights for Planning: Reconciling the Differences Between Profession, and Academic Field. *Journal of the American Planning Association*, 71(2), 121-129.

16. Neibanck, P. (1992). Reshaping Undergraduate Education. *Journal of Planning Education and Research*, 11(3), 227-231.

دانشجویان کارشناسی شهرسازی به خصوص در دانشگاه‌های آزاد، غیرانتفاعی و پیام‌نور است که بدون توجه به تقاضای بازار حرفه‌ای در حال افزایش بوده و مشکلات زیادی برای فارغ‌التحصیلان کارشناسی شهرسازی فراهم نموده است.

پی‌نوشت‌ها

1. City planning
2. Urban and regional planning
3. Urban planning
4. Environment studies and planning
5. Policy and planning
6. BSc
7. MA, MSc
8. PhD
9. Continental
10. Specialization
11. Rudriguez – Bachiller
12. APA
13. ACSP

فهرست مراجع

۱. بازرگان، عباس. (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: دیدار.
۲. حبیبی، محسن. (۱۳۹۰). مصاحبه با حبیبی در ایرج قاسمی، عبدالله غلامرضا کاشی، وعباس فولاد. با پیش‌کسوتان شهرساز. تهران: مهندسیین مشاور طرح و منظر.
۳. سعیدنیا، احمد. (۱۳۹۰). مصاحبه با سعیدنیا در ایرج قاسمی، عبدالله غلامرضا کاشی، وعباس فولاد. با پیش‌کسوتان شهرساز. تهران: مهندسیین مشاور طرح و منظر.
۴. عزیززی، شادی. (۱۳۸۹). ضرورت نظام منعطف آموزش معماری در راستای پاسخگویی به چالش‌های جهانی و بومی پایدار. مجله هویت شهر، ۷، ۴۳-۵۲.
۵. علیمحمدی، پریرسا. (۱۳۸۶). نقش تجربه با واسطه (رسانه‌ای) در شناخت دانشجویان معماری معاصر ایران. مجله هویت شهر، ۱، ۶۳-۷۴.
6. Ali, A. K., & Doan, P. L. (2006). A Survey of Undergraduate Course Syllabi and a Hybrid Course on Global Urban Topics. *Journal of Planning Education*